

## بررسی عوامل ساختاری و نهادی موثر در پیدایش حاشیه نشینی

### (مورد نمونه : شهر تبریز)

دکتر علی پناهی<sup>۱</sup>، میروحید فرج زاده<sup>۲\*</sup>، مصطفی نظری<sup>۲</sup>

۱-استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران

۲-دانشجوی مهندسی ترافیک دانشگاه جامع علمی- کاربردی شهرداری تبریز

[panahin@yahoo.com](mailto:panahin@yahoo.com)-۱

[Sv.farajzadeh@yahoo.fr](mailto:Sv.farajzadeh@yahoo.fr)-۲

#### چکیده

انقلاب صنعتی باعث رشد انفجاری جمعیت شهرها خصوصا در کشورهای در حال توسعه گردیده است، که موجب اضمحلال جمعیت‌های روستایی و مهاجرت روستاییان به شهرها و توسعه چشمگیر جمعیت شهری گردید. از پدیده‌های گسترش شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، نوعی شیوه زندگی متفاوت در محله‌ها و کوچه‌هایی با مسکن انحطاط یافته و غیر متعارف در مجاورت شهرهاست که سیمایی ناخوشایند و نامنظم دارد. اغلب ساکنان این مناطق مهاجرین روستایی بوده که دارای مشاغل غیررسمی و کاذب می‌باشند و از نظر درآمد، بهره‌گیری از خدمات و امکانات در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برند. هدف از این پژوهش تحلیل و بررسی عوامل ساختاری و نهادی موثر در پیدایش و تکوین حاشیه‌نشینی، تحلیل ابعاد مختلف حاشیه نشینی و ارائه راهکارهای مناسب برای مقابله و محدود کردن این پدیده در کلانشهر تبریز با استفاده از روشهای میدانی و اسنادی می‌باشد. بر اساس نتایج بدست آمده علت های حاشیه نشینی را می توان به دو گروه ساختاری و نهادی تقسیم بندی کرد. ساختار سرمایه داری پیرامونی، به حاشیه رانده شدن کشاورزی، ساختار متمرکز دولت، توزیع ناعادلانه ثروت، مدیریت شهری قوانین ومقررات ناکارآمد شهری از جمله علل ساختاری - نهادی هستند که به گسترش حاشیه نشینی دامن زده‌اند.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، مهاجرت، مدیریت شهری، تبریز.

---

## **Structural potentials and Natural factors in the Suburbia study Case study : Tabriz city**

**Ali Panahi<sup>1</sup>, Mir vahid Farajzadeh<sup>2\*</sup>, Mostafa Nazari<sup>2</sup>**

- 1- Geography and city planning group Master, Azad University, Unit Tbriz.Iran**
- 2- City traffic engineering student, Application – Scientific University,unit Tbriz**

[1-panahin@yahoo.com](mailto:1-panahin@yahoo.com)

[2-Sv.farajzadeh@yahoo.fr](mailto:2-Sv.farajzadeh@yahoo.fr)

### **Abstract**

Industrial revolution make increase the city population in cities, specialy in the developing countries and cause the tailspins of rural population and rurals immigration to cities and dramatic city population development. One of the phenomenons of townee in the developing countries, for example in Iran, different lives habitudes in the alleys and sections with decadent and unusual homes in city neighbors that case the unsightly view. Most of these habitants are rural migrants and have informal and false occupation and have poor income and facilities. The purpose of this article is studing of structural and natural potentials in the suburbia , Analyzing of different dimensions of suburbia and present the efficient solutions for prevention and limitation of this phenomenon in Tabriz metropolis based on field and credit methods. Based of these results, we can divide the reasons of this phenomena in two groups: structural and natural. Peripheral capitalism structure , inattention to agriculture, government centralized structure , unfair wealth distribution , unefficient provisions and city laws Mangement are the structural – natural reasons that cause the suburbia.

**Keywords :** suburbia , immigration , City management , Tabriz.

## مقدمه:

شهرنشینی شیوه ای از زندگیست که در دهه های گذشته از رشد چشمگیری برخوردار بوده است و این در حالی است که عدم توانایی برخی از افراد ساکن در شهر برای جذب شدن در بازار رسمی مسکن و اشتغال شهری، همچنین مهاجرت افراد روستائین به شهرها و تکیه داشتن آن ها بر فرصت های ناپایدار، منجر به ساخت سکونتگاههایی شده که افراد ساکن در آن درصد قابل توجهی از جمعیت بسیاری شهرهای کشورهای کمتر توسعه یافته را به خود اختصاص داده اند، در حالی که در دستیابی به حداقل امکانات و خدمات شهری ناتوانند و از کیفیت نامطلوب زندگی بهره می برند (شمس، ۱۳۸۵، ۳).

توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی است که به عنوان چالشی فراروی توسعه پایدار شهری مطرح می گردد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵).

حدود یک ششم از جمعیت دنیا در مناطق زاغه ای و حاشیه ی شهرها زندگی می کنند که فاقد تسهیلات شهری هستند (هادی زاده، ۱۳۸۲).

پدیده حاشیه نشینی ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی انسانها دارد. این پدیده در معنای امروزی با پیدایش شهرنشینی ابتدا در دل جهان سرمایه داری صنعتی و سپس در کشورهای توسعه نیافته، رشد و توسعه یافته است. روستائیان مهاجر به دلایل مختلف از قبیل جاذبه های شهر بزرگ مانند درآمد بهتر، یافتن شغل مناسب تر و.... و دافعه های زادگاه خود مانند بیکاری، عدم امکانات رفاهی و بهداشتی، به سوی شهرها هجوم آوردند و بدلیل نداشتن پول کافی و شغل مناسب مجبور به سکونت در مناطق حاشیه ای شده اند. حاشیه نشین به مفهوم کلی، به کسی گفته می شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه ی حاشیه نشینی در مناطق مختلف ایران می توان گفت که مهمترین ویژگی های آن عبارت است از ساخت و ساز نامناسب، فقر فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی، بیکاری، اشتغال کاذب، عدم رعایت بهداشت جمعی و فردی عدم دسترسی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی، افزایش جرم، جنایت، فساد، فحشاء، مصرف بیش از حد مواد مخدر در مقایسه با سایر مناطق شهری، قومیت گرایی، ازدحام بیش از حد جمعیت، از سوی دیگر هم اکنون در اطراف شهرهای بزرگی چون تهران، تبریز، شیراز، کرمان و اصفهان نیز شاهد رشد و گسترش مناطق حاشیه نشین می باشیم. جریان سریع شهرنشینی در چندین سال گذشته و رشد پدیده حاشیه نشینی، مشکلات اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی فراوانی را در اغلب کلان شهرهای ایران بوجود آورده است. شهر در حال توسعه فرهنگ، دوگانه ای می یابد جزیره ای ثروتمند در کمربند سیاهی از محرومیت ها و بدبختی ها. بخش عمده ای از رشد شهرنشینی بر پایه ی اقتصاد غیر رسمی و همراه با گسترش سکونت گاه های غیر رسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را غیر رسمی شدن شهرنشینی می نامند، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی مساله ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقای باز تولید و بسط آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه حل ها و سیاست های متداول شهر است و رهیافت ها و اقدامات نوینی را می طلبد.

حاشیه نشینی از پیچیده ترین مسایل و معضلات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی شهری است که در کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه به اشکال مختلف وجود دارد با این تفاوت که وضعیت حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه دامنه گسترده تری دارد و در سطح وسیعتری گسترش پیدا کرده است. بر اساس گزارشات سازمان ملل متحد حاشیه نشینی و آلونک نشینی به رغم برنامه های گسترده برنامه ریزان شهری برای تولید مسکن شهر نشینها و تأمین اشتغال آنان چالش اصلی جامعه شهری در هزاره سوم معرفی شده است حاشیه نشینی بعنوان نمادی از فقر شهری و اسکان غیر متعارف از ابتدای هجوم مهاجران به شهرها در نتیجه اجرای برنامه های اصلاحی رضا شاه در ایران شکلی ملموس به خود گرفته است در سالهای ابتدائی جریان این بحث مختص چند شهر بزرگ کشور من جمله تهران، تبریز، اصفهان و تبریز بود اما در حال حاضر تقریباً می توان گفت در تمام شهرهای ایران مورد مشاهده است و می توان قشرهای حاشیه ای را در هر شهر به وضوح یافت به همین دلیل در سه دهه اخیر توجه مسئولان، برنامه ریزان و پژوهشگران مسایل شهری را به خود معطوف داشته است و در این مدت مقالات، سخنرانیها، سمینارها و ژورنال های متعددی در این خصوص به اجرا در آمده است در این مقاله نیز با توجه به اهمیت موضوع سعی خواهد شد تا به ریشه ها و علل ساختاری و تشریح ابعاد و مفهوم حاشیه نشینی پرداخته شود.

### طرح مسئله

شهر دارای یک آستانه جمعیتی است و هدف آن برآوردن نیازهای آن جمعیت است. رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه به علت مهاجرت های بی رویه هنوز سازماندهی نشده است. حاشیه نشینی خصلت شهرنشینی و شهرنشینی از خصلت های عمده جامعه ی صنعتی است. با ظهور انقلاب صنعتی و ورود صنایع جدید نیاز به نیروی کار در شهرها افزایش یافت و به این ترتیب مهاجرت گسترده ای آغاز گردید (محسنی، ۱۳۷۶).

از بین مهاجران کسانی که دارای درآمد بهتر و توانایی بیشتری بودند توانستند از دروازه های طلایی شهر عبور کرده و خود را با شهر تطبیق دهند. اما بعضی از آنها نتوانستند با شهر سازگاری داشته باشند و در نتیجه پشت دروازه ی شهر در مناطق حاشیه نشین اقامت گزیدند (زاهدانی، ۱۳۶۹).

پیامد آن بروز انواع ناهنجاری ها در زمینه شهرنشینی است. مشاغل غیر رسمی کاذب وجود ساخت و ساز های غیر مجاز عدم توانایی شهرداری ها در ارائه خدمات مناسب، اثرات نامطلوب فرهنگی اقتصادی اجتماعی سیاسی، زیست محیطی بر کل سیستم شهری می باشد. شکل گیری این پدیده مسایل متعددی را با خود به همراه دارد که فقط محدود به مناطق حاشیه نشین نمی شود و حتی کل یک شهر را متاثر می سازد. به طوری که پیامد آن بروز انواع ناهنجاری ها در زمینه شهرنشینی است. از این رو پرداختن به مساله حاشیه نشینی، علل شکل گیری و آثار نامطلوبش ضرورت می باید. زیرا شناسایی علل این پدیده و ارائه ی راهکار در جهت بهبود آن، موجبات برابری در بافت شهری را که از شاخصه های توسعه پایدار است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶).

### روش تحقیق

روش تحقیق بصورت توصیفی - تحلیلی بوده که از انجام مطالعات کتابخانه ای و مشاهدات میدانی در رابطه با موضوع تحقیق و جمع آوری مطالعات مربوط به حاشیه نشینی به بررسی و تجزیه و تحلیل محدوده پرداخته شده و با شناسایی مشکلات ، تنگناها و فرصت های موجود ، اهداف کلی راهبردها و روش های مقابله با پدیده مذکور ارائه گردیده است.

### اهداف تحقیق

مطالعه و تحقیق پیرامون مسائل مختلف شهری و روستایی از اساسی ترین کارهایی است که در هر کشور باید صورت گیرد تا برنامه ریزی های توسعه و عمران آن کشور بطور دقیق و صحیح انجام شود در کشورهای توسعه یافته به این امر توجه بسیار شده و قسمت زیادی از بودجه کشور را به این بخش اختصاص داده اند. با توجه به اهمیت مسئله توسعه شهر ها و گسترش بیش از حد شهر های بزرگ و پیدایش حاشیه نشینی ، مطالعه حاشیه نشینی و زاغه نشینی بسیار مهم و ضروری است چرا که جهت برنامه ریزی های توسعه و عمران شهری یک برنامه ریز باید با خصوصیات اکولوژی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و جمعیتی کلیه مناطق شهری آشنا باشد.

هدف عمده در این تحقیق شناخت علت اصلی گسترش شهر ها و خصوصا شهر تبریز و جلوگیری از مهاجرت بی رویه به شهر های بزرگ و به دنبال آن محو شدن مناطق حاشیه نشین در سطح شهر تبریز و ایجاد نوعی تعادل بین مناطق حاشیه ای و مرکز شهر میباشد. از دیگر اهداف تحقیق ارائه راهبرد هایی در جهت رفع معضل حاشیه نشینی در کلانشهر تبریز و دست یافتن به توسعه پایدار است.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

افزایش جمعیت شهری و گسترش شهر ها و پیدایش حاشیه نشینی و عوارض مختلف دیگر آن در حال حاضر یکی از دشواریها مشکلاتی است که در سطح ملی و منطقه ای اذهان عمومی و مسئولین کشور را به خود مشغول داشته است.

برنامه های توسعه اجتماعی و اقتصادی - سیاسی و امنیتی در کشور ایران مسئله حاشیه نشینی ، پیرامون شهر های بزرگ را در بعضی مناطق تشدید نموده بطوری که مهاجر پذیری شهر ها رابطه مستقیم با گسترش شهر ها و این دو نیز رابطه مستقیم با پدیده حاشیه نشینی و همچنین رابطه مستقیم با سیاست های دولت دارد.

انتخاب یک شهر به عنوان قطب توسعه اجتماعی و سیاسی - اقتصادی و صنعتی مسئله توسعه شهر ها را تسریع نموده و از طرف دیگر موجب خالی شدن منطقه ای از کشور می شود. بنابراین قبل از اعمال سیاست گذاری در رابطه با مناطق مختلف مطالعه تاثیرات این سیاست بر روی جابجایی مکانی جمعیت و تاثیرات مثبت و منفی آن بر مناطق مبدا و مقصد ضروری به نظر میرسد.

## ابعاد حاشیه نشینی سه دسته اند: اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

### حاشیه نشینی اجتماعی:

در حاشیه نشینی اجتماعی افراد از نظرویرگی اجتماعی مثل رفتار و سلوک و زبان احساس حاشیه ای دارند این امر بیشتر در بین مهاجرانی که از نظر نژاد، قومیت، مذهب و حتی طبقه با ساکنان اصلی (متن) شهر متفاوتند دیده می شود زیرا مهاجران از جهان سنتی خود بیرون آمده اند اما هنوز با جهان جدید انس نگرفته اند و درگیر طی جریان اجتماعی شدن **socialization** هستند، احساس حاشیه ای از بعد اجتماعی باعث می شود تا مهاجران مخصوصاً " جوانان احساس بی هویتی کنند در این موقعیت است که با تشکیل باندها و گروهها سعی در مخفی نگه داشتن ویژگی حاشیه ای خود دارند فرد مهاجر از اجتماع خود بریده و پا به دنیای جدید گذاشته و احساس می کند به پناهگاهی نیاز دارد تا این بیگانگی رادر خود حل کند پس به سوی افرادی می رود که در بحران از دست دادن ارزشهای بومی با وی همدردند و بدین صورت خرده فرهنگ زاغه ای شکل می گیرد این خرده فرهنگ زاغه ای از افرادی تشکیل می شود که کم و بیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباط آنان با یکدیگر ارزشها و گرایشهای جدیدی به وجود می آورند که در خیلی از موارد نسبت به فرهنگ برترحالت انحرافی و کجروانه (ضد ارزشی) دارند هر چند در این محلات عادی تلقی می شود .

### حاشیه نشینی سیاسی :

حاشیه نشینی از بعد سیاسی شامل مواردی است که افراد خارج نظام سلطه قرار بگیرند و این امر ناشی فقدان شرکت آنها در ساخت نهادهای نظام سیاسی است وقتی که فرد نه تنها خود قادر به شرکت در نهادهای سیاسی نباشد بلکه احساس کند مسایل ومشکلات و خواسته های ایشان مورد توجه سیاستمداران جامعه نیست از نظر سیاسی احساس حاشیه ای بودن **marginal** می کنند.

### حاشیه نشینی اقتصادی:

تقریباً " همه اندیشمندان در بررسی حاشیه نشینی به این بعد توجه دارند و از جمله مواردی که نسبت به خصوصیات حاشیه نشینان مطرح می کنند عبارتند از مسکن غیر متعارف، عدم جذب در اقتصاد شهری، درآمد پایین ساکنان، بیکاری پنهان وسیع، گسترش مشاغل کاذب، مهارت کم، تحصیلات پایین و ....

### روند شکل گیری حاشیه نشینی :

بر اساس نظریه رشد قطاعی شهرها در نظریه ارنست برجس و رابرت پارک حاشیه نشینی مولود رشد شهرهاست به این صورت که در مراحل اولیه رشد، مرکز شهرها محل سکونت افراد متمول و طبقه بالاست ولی کم کم با گسترش مراکز تجاری و صنعتی در این محل آنهایی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج و مناطق کم تراکم جمعیت حرکت کرده و دور از مرکز شهر سکنی می گزینند در این جابجایی کارگران و افراد فقیر که در آمد پایینی دارند در این مناطق متروکه مسکن اختیار می کنند و با توجه به اینکه این افراد معمولاً خانواده های پر جمعیت دارند این مناطق شلوغ شده و مرکز بروز جرائم سازمان یافته و خرده فرهنگهای متعارض فرهنگ مسلط می شود .

## حاشیه نشینی در ایران:

در ایران بعد از وقوع اصلاحات ارضی، این پدیده رخ عیان کرد در یک بررسی گسترده که در سال ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت مشخص شد که ۹۱ درصد از سرپرستان خانواده‌های حاشیه‌نشین در تهران روستایی بوده‌اند ۷۲ درصد آنان قبلاً دهقان محسوب می‌شدند و ۵۹ درصد خرده مالک بوده‌اند. همچنین یافته‌های پژوهشی مشابه در سال ۱۳۴۵ نشان داد که ۶۲ درصد از حاشیه‌نشینان تهران کارگر ساده، ۱۲ درصد کارگر نیمه ماهر ۱۴ درصد کارگر ماهر بوده‌اند. این موارد تا حدودی نشانگر ابعاد حاشیه‌نشینی در ایران پیش از انقلاب بود، در آن سال‌ها به دلیل اصلاحات ارضی و همچنین عدم کارایی اقتصاد کشاورزی روستاها، موج مهاجرت‌های گسترده‌ای به شهرهای بزرگ رخ داد که به نمود یافتن زیست حاشیه وی منجر شد. اما این روند در ایران پس از انقلاب نیز با گستردگی بیشتری ادامه یافت، موج مهاجرت و در کنار آن رشد بی‌وقفه جمعیت نیز به مثابه علتی ثانویه که باعث رقابت شدید برای تسلط بر امکانات شهری گردید موجب شد تا حاشیه‌نشینی، در قامت یک معضل ملی رخ بنمایاند. براساس مطالعات جامعه‌شناختی، ۶۷ شهر کوچک و بزرگ کشور در ۱۶ استان در سال ۱۳۸۰ (بدون احتساب تهران، آذربایجان شرقی و مرکزی) با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه هستند، در این محدوده‌ها که بیش از دو میلیون نفر ساکن هستند، تراکم جمعیت مناطق حاشیه‌نشین به طورمتوسط حدود ۲۰۰ نفر در هکتار است. همچنین مطابق با برآوردهایی که در پژوهش حاشیه‌نشینی در ایران توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران، صورت پذیرفت، جمعیت حاشیه‌نشینی در ۱۰ شهر بزرگ ایران نظیر تهران، تبریز، شیراز، اهواز حدود ۳/۵ میلیون نفر تخمین زده شد که اکنون قطعاً بسیار بیشتر از این رقم است. روند برابر شدن شهر و حاشیه آن در ایران موردی که از لحاظ جامعه‌شناختی و اصول شهرسازی فوق‌العاده حائز اهمیت است روند همسان شدن کمیت و کیفیت شهرهای ایران با حاشیه‌های خود است، چه آنکه با استمرار روند فعلی تاچند سال آینده جمعیت حاشیه‌های هر کلان شهر اختلاف اندکی با جمعیت کلان شهرها پیدا نمی‌کند. هم اکنون ۳۴ درصد از جمعیت حاشیه‌نشین کل کشور در حاشیه کلان شهرها استقرار یافته‌اند که روز به روز بر تعداد آنها اضافه می‌شود، عدم پویایی مدیریت شهری در کلان شهرهای ایران نیز مزید بر علت شده تا حاشیه شهرها همانند متن شهر ارتقای عمرانی پیدا نکند.

به همین دلیل هم اکنون از لحاظ عمرانی بعضی از نقاط کلان شهرها هیچ فرقی با حاشیه خود ندارند و از لحاظ جمعیتی نیز، افزایش روز افزون جمعیت حاشیه‌نشین باعث می‌شود که در آینده‌ای نه چندان دور حاشیه و متن از هر لحاظ برابر شوند! تبعات حاشیه‌نشینی و معضلات ملی حاشیه‌نشینی در ایران براساس دلایل بشمارای اکنون یک معضل ملی محسوب می‌شود که با ادامه روند فعلی بی‌شک به یک فاجعه ملی منجر خواهد شد. ابعاد معضلاتی که حاشیه‌نشینی باعث نشو و نمای آنها شده است، بسیار فراتر از عدم هماهنگی در بافت فیزیکی شهرها است. حاشیه‌نشینان که متشکل از مهاجران روستایی هستند که از روستا به شهر روی آورده‌اند حامل خصلت‌های اجتماعی communal هستند که با خصایص جامعه‌ی social شهر هیچ سنخیتی ندارد.

### حاشیه نشینی در شهر تبریز:

در اوایل دهه پنجاه خورشیدی و پس از وقوع انقلاب سفید، به دلیل ایجاد کارخانجات متعدد صنعتی در شهر تبریز، افراد بیکار ساکن شهرها و روستاهای اطراف، به دنبال یافتن شغل در این مراکز و اقامت در این شهر، به سمت تبریز سرازیر شدند. حاشیه‌نشینان در مدت کوتاهی برای خود خانه‌ای می‌ساختند و در این خانه‌ها ساکن می‌شدند. خانه‌های آنان از ابتدایی‌ترین امکانات رفاهی همچون آب، برق، گاز و تلفن بی‌بهره بود. گسترش این امر باعث ایجاد محله‌های بزرگ حاشیه‌نشین در پیرامون شهر تبریز شد و در طی چندسال، چهره این شهر را تغییر داده و آن را با مشکلات متعددی روبه‌رو کرد.

امروزه شهر تبریز با وسعت ۱۹/۲۱۶۷ کیلومتر مربع و با جمعیتی ۲۸۹/۶۶۷/۱ نفر (آمار سال ۱۳۸۸) در حدود ۴۰۰/۰۰۰ نفر حاشیه‌نشین را در خود جای داده است. حاشیه‌نشینان به‌طور عمده در مناطق حاشیه‌ای شمال، شمال غرب و جنوب این شهر ساکن شده‌اند که از میان این مناطق می‌توان محله‌های آخماقیه، حافظ، خلیل‌آباد، داداش‌آباد، سیلاب، طالقانی، عباسی، کشتارگاه، لاله، مارالان، منبع و یوسف‌آباد را نام برد که حدود ۳۰ کیلومتر مربع از مساحت تبریز را اشغال نموده‌اند.

### عوامل ساختاری و نهادی حاشیه نشینی در تبریز

#### علل حاشیه نشینی در سطح کلان

نخستین علت حاشیه نشینی در سطح کلان را باید ساختاری دانست که در آن بین شهر و روستا (مرکز و پیرامون) ساز و کار تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات در جریان است که باعث عدم تعادل‌های منطقه‌ای و محلی می‌گردد. بطوری که توجه به فضای برگزیده شهرهای بزرگ و محلات ثروتمندان در برابر سایر نواحی زیست‌فعالیت باعث حرکت جمعیت مهاجر به سوی شهرها و نواحی برگزیده می‌شود. مهاجران برای یافتن کار و سرپناه به سوی شهرهای بزرگ سرازیر می‌شوند و تقاضای ناگهانی برای اسکان خود در نواحی محدودی به وجود می‌آورند. این تقاضا باعث افزایش قیمت مسکن، کاهش ذخیره مسکن، نارسایی خدمات شهری و اشباع شبکه‌های زیربنایی می‌شود. در چنین شرایطی مهاجران کم درآمد توان استفاده از بازار رسمی زمین و مسکن را نداشته و با اصرار بر لزوم استقرار در همان شهر، محلات حاشیه شهر را در بازار غیررسمی زمین و مسکن تهیه و بصورت غیرقانونی و با عدم رعایت اصول اولیه شهرسازی اقدام به ساخت مسکن غیراستاندارد و عمدتاً نامطلوب می‌کنند از طرفی جاذبه‌های اغواکننده شهری و پیش روی جهان به سوی شهری شدن از جمله دیگر عوامل مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌باشند.

#### - علل حاشیه نشینی در سطح خرد

بغیر از عوامل کلان ساختاری می‌توان به عوامل سطح خرد اشاره کرد. عوامل سطح خرد به این دلیل اهمیت دارند که بیانگر کم توجهی و ضعف برنامه‌های بخش دولتی در برخورد صحیح و کارآمد به اسکان و اشتغال اقشار کم درآمد جامعه می‌باشد. گرچه حل ریشه‌ای حاشیه نشینی نیاز به تغییرات ساختاری و برنامه ریزی‌های دراز مدت در سطح کلان دارد. اما در سطح خرد می‌توان با تدبیر و خرد جمعی با هزینه‌های کمتر حداقل از شکل‌گیری حاشیه نشینی بدون برنامه ریزی جلوگیری کرد. عواملی که در سطح خرد می‌تواند با تدبیر و خرد

جمعی با هزینه های کمتر حداقل از شکل گیری حاشیه نشینی بدون برنامه ریزی جلوگیری کرد. عواملی که در سطح خرد باعث به وجود آمدن حاشیه نشینی شده است عبارتند از:

۱- عدم پیش بینی صحیح تعداد جمعیت مهاجر و بسترسازی مناسب برای اسکان و اشتغال مهاجران کم درآمد.  
 ۲- کم خردی برنامه ریزان شهری در زمینه پیش بینی فضای مسکونی مناسب برای اقشار کم درآمد و تصویب استانداردهای حداقل تفکیک زمین خارج از توان مالی اقشار کم درآمد. آغاز مطالعه پدیده حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی در ایران به صورت نسبتاً مفصل به اواخر دهه ۱۳۴۰ باز می گردد. اولین مطالعات سازمان یافته پس از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن، در سال ۱۳۴۲ و زیر نظر مدیریت اور اجتماعی آن وزارتخانه انجام شد که بیشتر به تشریح توصیفی زندگی ساکنان محلات حاشیه ای بود (حاج یوسفی، ۱۳۸۰).

۳- دسترسی ناچیز اقشار کم درآمد به منابع مالی و وامهای خرید یا بهسازی مسکن بویژه شاغلین در بخش اقتصاد غیررسمی.

۴- نبود نظارت صحیح در زمینه کنترل ساخت و سازها و وجود افراد قانون شکن در بدنه شهرداری که بدلیل روابط فامیلی یا گرفتن رشوه اجازه ساخت و ساز سریع را به حاشیه نشینان جدید می دهند.  
 ۵- وجود سوداگران و دلالان زمین که با واگذاری غیرقانونی زمینهای کشاورزی حاشیه شهرها سهم مهمی در ایجاد حاشیه نشینی دارند.

۶- فقدان نهادها و سازمانهای مردمی برای تجهیز فقرا برای ساختن مساکن مناسب نظیر سازمانهای غیردولتی.  
 ۷- تأثیر حاشیه نشینی بر افزایش آسیبهای اجتماعی

سیاستها و روشهای مختلف برخورد با مسئله ی حاشیه نشینی:

۱- استراتژی مقابله با حاشیه نشینی

برخی از کارشناسان، با تأکید بر اینکه «پیشگیری بهتر از درمان است»، بیش از هر چیز پیشگیری را توصیه می نمایند. مانند کنترل زمین های باز وسیعی که مجهول المالک هستند.

هرگونه اقدامی در زمینه ی مقابله با حاشیه نشینی ، می یابد از استراتژی سه مرحله ی زیر تبعیت نماید:

مرحله اول:

در اولین فرصت باید راه ورود تازه واردان به مادر شهرهای منطقه ای و کلان شهرها، از طریق راه حل های قانونی (مانند: وضع مقررات و قوانین) و یا راه حل های کالبدی (مانند: نوار سبز) و یا راه حل های نظارتی (در ارتباط با زمین های وسیع بلاصاحب و یا حریم رودخانه ها و یا دامنه های ارتفاعات)، مسدود گردد.

مرحله دوم:

وقتی محدوده ی شهر مستحکم گردید، کلیه ی حاشیه نشینان و زاغه نشینان داخل محدوده، بخشی از مردم شهر تلقی می شوند و باید مورد حمایت قرار گیرند، لیکن به دلیل مشکلات خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که دارند، این حمایت مستلزم راه کارهای خاصی می باشد.

مرحله سوم:

مسدود کردن راه ورود مهاجران به شهرهای بزرگ، نباید به معنای محروم نمودن آن دسته از کسانی باشد که مهاجرت را به عنوان مفری برای رهایی از فقر اقتصادی و دست یابی به شرایط بهتر زندگی، انتخاب می‌کنند. لذا همزمان با اقدامات فوق الذکر، می‌باید اقدامات لازم به منظور ایجاد تحولات ساختاری در برنامه های کلان ملی صورت گیرد تا از طریق ایجاد امکانات خدماتی و به خصوص زمینه‌های اشتغال، در نقاط روستایی و شهرهای کوچک، زمینه‌های تثبیت جمعیت در کانون‌های مهاجر فرست فراهم آید.

## ۲- راهبردهای موضعی و موقتی

ذیلاً به برخی از تلاش‌های متفاوتی که در این زمینه به عمل آمده است، اشاره می‌شود.

### ۱) روش تخریب کامل

در این حالت به غیر از منازل که در شرایط خوبی قرار دارند، مناطق فرسوده و غیر موجه کاملاً تخریب می‌شوند و گاهی یک محله به طور کامل از بین می‌رود. چنین روشی علاوه بر ایجاد برخوردهای خشن و ایجاد نارضایتی در مردم، نتایج مطلوبی نیز به بار نمی‌آورد.

### ۲) تخریب و نوسازی مجدد

در برخی موارد، پس از تخریب مناطق حاشیه‌ای و زاغه نشینی، به احداث واحدهای مسکونی جدید (اغلب به صورت آپارتمانی) برای آنها مبادرت می‌نمایند. این راهبرد نیز به دلایل گوناگون (از جمله به دلیل انفصال ساکنان از شرایط کار و زندگی قبلی، عدم توانایی در پرداخت هزینه‌های خانه‌های جدید و عدم تناسب خانه‌های جدید با نیازهای آنها)، موفقیتی به همراه نداشته است.

### ۳) اصلاح و بهبود (بهسازی)

این راهبرد، که بیش از سایر راهبردها مورد توجه است، به معنای بهبود شرایط زندگی از طریق ارائه خدمات اساسی مانند: آب، برق، گاز، سیستم دفع فاضلاب، مدرسه و همچنین اصلاح معابر، پر کردن گودال‌ها و غیره می‌باشد. چنین روشی علاوه بر اینکه مزاحمت کمتری برای حاشیه‌نشینان ایجاد می‌کند، از طریق حفظ واحدهای مسکونی، می‌تواند نقش مهمی در تامین مسکن شهرهای بزرگ نیز ایفا نماید. همچنین، عملیات بهسازی نقش موثری در بهبود شرایط زیست و کاهش مشکلات موجود بر جای می‌گذارد.

### ۴) توانمندسازی

همچنان که «دیوید دراکاکیس اسمیت» خاطر نشان کرده است، حاشیه نشینان، بر خلاف تصور، کالایی آب آورده و دور ریختنی نیستند، بلکه پس از بررسی‌های پژوهشی جوامع فقیر در دهه‌ی ۱۹۷۰ آشکار گردید که وجود آنها نقش مهمی در اقتصاد شهر داشته است. این پژوهش‌ها نشان داده است که آنها «با کمک ناچیز دولت قادرند مسکن، خوراک و پوشاک خود را فراهم آورند و در عین حال نوعی نیروی کار ذخیره‌ی حاضر و بیدرنگ برای فعالیت‌های در حال گسترش بخش رسمی (درون شهرها) را مهیا سازند.»

روش توانمند سازی با تکیه بر توان‌های بالقوه‌ی حاشیه‌نشینان مطرح شده است بر این اصل استوار است که دولت‌ها به عوض کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت حاشیه‌نشینان و کرامت انسانی آنها را خدشه‌دار می‌سازد، می‌باید از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم و امکان دسترسی به ابزار کار و

---

فعالیت‌هایی از این قبیل، زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی حاشیه‌نشینان و فقرای شهری را فراهم آورند.

### نتیجه‌گیری

در حال حاضر یکی از مهمترین مسائل اجتماعی جامعه شهری پیدایش و رشد گسترده حاشیه‌نشینی می‌باشد که معلول عوامل گوناگونی است بطوری که در وهله اول برآیند مهاجرت‌های مداوم داخلی یعنی از روستاها و محیط‌های کوچک به شهرها می‌باشند. نخستین علت حاشیه‌نشینی در سطح کلان را باید ساختاری دانست که در آن بین شهر و روستا (مرکز و پیرامون) ساز و کار تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات در جریان است که باعث عدم تعادل‌های منطقه‌ای و محلی می‌گردد. بغیر از عوامل کلان ساختاری می‌توان به عوامل سطح خرد اشاره کرد. عوامل سطح خرد به این دلیل اهمیت دارند که بیانگر کم‌توجهی و ضعف برنامه‌های بخش دولتی در برخورد صحیح و کارآمد به اسکان و اشتغال اقشار کم‌درآمد جامعه می‌باشد البته در کنار آن ضعف برنامه‌ریزی‌های شهری و عدم برنامه‌ریزی صحیح و اصولی از سوی مدیران شهری نیز بر این عوامل اصلی کمک نموده است. پس حاشیه‌نشینی یک بیماری است که نشاندهنده عدم سلامت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی میباشد. برای مقابله با آن قطعاً باید بلادرنگ با رشد آن مقابله کرد و سپس به اصلاح ساختارهای داخلی آن پرداخت. توانمندسازی و بهسازی بهترین راهکار در این مناطق به شمار میرود.

## منابع:

- حاج یوسفی، ع . ۱۳۸۰. حاشیه نشینی شهری و فرایند تحول آن(قبل از انقلاب اسلامی). فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.
- ربانی، ر. ۱۳۸۸. تحلیلی بر علل اصلی شکل گیری مناطق حاشیه نشینی در شهر اصفهان. مجله جغرافیا و توسعه، ۱۳۸۸، شماره ۱۳ .
- زاهدانی ، س ، ۱۳۶۹، حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز.
- شمس، پ. ۱۳۸۵. ارتقاء کیفیت محیطی سکونتگاههای غیررسمی با تاکید بر توانمند سازی و جلب مشارکت مردمی، در جهت توسعه پایدار- نمونه موردی سکونتگاه غیررسمی زیر پل مدیریت ( محله اسلام آباد) . پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- محسنی، م، ۱۳۷۶، جامعه شناسی عمومی، انتشارات طهوری ، تهران.
- نقدی، الف. ۱۳۸۵. حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ، سال پنجم شماره ۲۰
- هادی زاده بزاز، م. ۱۳۸۲. حاشینه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.